

هرگز خودم را نمی‌بخشم!

۲ حادثه وحشتناک برای

سرایدار بدشانس مدرسه

زهرا علی هاشمی / ۶۰ درصد سوختگی داشت. پزشک‌ها از او قطع امید کرده بودند. من نمی‌دانستم چه کنم. داشتم همسرم را از دست می‌دادم، آن هم به خاطر اشتباه خودم. ای کاش آن کار را نمی‌کردم...
این‌ها را با صدای لرزانش می‌گوید و اشکش سرازیر می‌شود. دائم می‌گوید که اگر آن کار را نمی‌کرد همسرش دچار مشکل نمی‌شد.
ابراهیم مصیبی که چند سالی است سرایدار یک مدرسه ابتدایی در رباط کریم است به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «۲۵ سال است در آموزش و پرورش کار می‌کنم. اوایل کارم، ۱۴ سال در یک مدرسه کشاورزی در رباط کریم در قسمت گاو‌داری کار می‌کردم. هر روز ساعت چهار صبح بیدار می‌شدم و گاو‌ها را می‌دوشیدم و بعد به سایر کارهای مدرسه رسیدگی می‌کردم. من همه عمرم را تلاش کردم تا شرافتمندانه زندگی کنم ولی نمی‌دانم چرا دامنم بد می‌آورد و این بار، بدبختی‌هایم گریبانگیر همسرم شد.»
او تأکید می‌کند: «ماجرای شب چهارشنبه سوری سال ۱۳۸۸ بر می‌گردد. از آنجایی که مدرسه شبکه گازرسانی نداشت، ما از گالن‌های ۲۰ لیتری گازوئیل برای سوخت‌رسانی به بخاری‌های مدرسه استفاده می‌کردیم.»

چهارشنبه سوری

این ایبای مدرسه که بغض گل‌پوش را گرفته، اینگونه ادامه می‌دهد: «چهارشنبه سوری بود. پسر کوچکم محمدرضا، که آن موقع ۱۰ ساله بود، آتش بازی می‌کرد. او یک گالن گازوئیل برداشته بود تا آتش را مشتعل‌تر کند که ناگهان دستش آتش گرفت.»
به اینجای خاطره که می‌رسد، دیگر نمی‌تواند خودش را کنترل کند. مکث طولانی می‌کند و می‌گوید: «همسرم زهرا، سریعاً خودش را به پسرمان رساند تا نجاتش دهد. بالاخره او توانست دست محمدرضا را خاموش کند ولی من که دیرتر بودم و من مانده بودم که چه کنم. زهرا از حالتی که بود خارج‌کنم که حادثه بدتر، به دست من رقم خورد.»
مصیبی در ادامه ماجرا می‌افزاید: «من می‌خواستم گالن گازوئیل را از آن محیط دور کنم که با لگدن آن را پرت کردم تا آتش دور بماند ولی تمام آن گازوئیل‌ها روی همسرم ریخت. زهرا سوخت و من مانده بودم که چه کنم.»
بازگشت از مرگ
«هرچه طلا داشتیم، فروختم. از دوست و آشنا قرض کردم. اداره آموزش و پرورش رباط کریم هم ۵۰۰ هزار تومان به من کمک کرد. همسرم با



۶۰ درصد سوختگی در بیمارستانی در تهران بستری شده بود و همه پزشکان از او قطع امید کرده بودند.

در بیمارستان بستری بود. بعد از آن دکترها به واسطه مرگ مغزی به طور کامل از خوب شدن حال زهرا ناامید شدند و از من خواستند که رضایت دهم اعضای بدنش را اهدا کنند.»
فرشته نجات
ابراهیم مصیبی با افسوس می‌گوید: «زهرا خیلی پیشتر وصیت کرده بود که اعضای بدنش را اهدا کنند. من به خواست خودش و برای اینکه افراد دیگری بعد از او بتوانند زندگی کنند، با این کار موافقت کردم؛ پسرم ناراضی بود و تصور می‌کرد ما قرار است اعضای بدن مادرش را بفروشیم. او می‌گفت چرا باید مادرم را تکه تکه می‌کرد به دام افتاد.»
به گزارش «ایران»، خوراندن آیمیه مسموم برای رسیدن به اهداف پلیس مثل سرعت، سناریوی تکراری افراد شرور است که هنوز هم می‌تواند قربانی بگیرد. دلیل آن هم چیزی نیست جز اعتماد بی‌دلیل به افراد غریبه و گرفتن خوراکی از دست آنها! هرچند مجازات افراد شیاد باید قاطعانه صورت گیرد اما گاهی هم بد نیست گوشه‌ای از نوک پیکان انگشت انتقام ما به سمت قربانی نشانه رود و نقش قربانیان را در وقوع بزه نادیده نگیریم.
یک ظهر گرم باشد و مسیری که تاکسی از آن چنین موقعیتی قرار می‌گیرید چقدر احتمال دارد قید پیاده روی تا رسیدن به ایستگاه اتوبوس را بزنید و سوار اولین خودروی عبوری شوید که برای شما بوق می‌زند؟
شاید احتمال سوار شدن به این خودرو زیاد باشد، مخصوصاً اگر دیرتان هم شده باشد و بخواهید در زمان محدودی خودتان را به مقصد مورد نظر برسانید!

مرد تبهکار که در پوشش مسافربر زنان تهرانی را با انگیزه سرعت با آیمیه مسموم ببهوش می‌کرد به دام افتاد.
به گزارش «ایران»، خوراندن آیمیه مسموم برای رسیدن به اهداف پلیس مثل سرعت، سناریوی تکراری افراد شرور است که هنوز هم می‌تواند قربانی بگیرد. دلیل آن هم چیزی نیست جز اعتماد بی‌دلیل به افراد غریبه و گرفتن خوراکی از دست آنها! هرچند مجازات افراد شیاد باید قاطعانه صورت گیرد اما گاهی هم بد نیست گوشه‌ای از نوک پیکان انگشت انتقام ما به سمت قربانی نشانه رود و نقش قربانیان را در وقوع بزه نادیده نگیریم.
یک ظهر گرم باشد و مسیری که تاکسی از آن چنین موقعیتی قرار می‌گیرید چقدر احتمال دارد قید پیاده روی تا رسیدن به ایستگاه اتوبوس را بزنید و سوار اولین خودروی عبوری شوید که برای شما بوق می‌زند؟
شاید احتمال سوار شدن به این خودرو زیاد باشد، مخصوصاً اگر دیرتان هم شده باشد و بخواهید در زمان محدودی خودتان را به مقصد مورد نظر برسانید!

صحنه تصادف به سرعت برای کمک به محرومین شفاف‌تر در کمال ناپاوری مشاهده کردند که دو سرنشین دیگر خودرو که نسبت به راننده حال مساعدتری داشتند پا به فرار گذاشته و از مهلهک فریختند.
رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و راننده مجروح به بیمارستان منتقل شد و بیمار به کما رفت؛ حتی تاکنون هم در وضعیت کما قرار داشته و حال وخیمی دارد. اما این تصادف راز سرعت‌های سریالی باند کوشی قاپ را فاش کرد و مشخص شد سرنشینیان این خودرو همان اعضای باند سارقان بودند که با خودرو اقدام به فرار از محل سرعت کرده بودند. عجله آنها برای دور شدن از محل سرعت منجر به بروز سانحه تصادف شد و بعد از جراحی شدید راننده، همدستان او پا به فرار گذاشته بودند.

کشف گوشی‌های سرقتی از داخل ماشین اولین سرنخی بود که مأموران پلیس برای فاش کردن راز سارقان پیدا کردند.
سرهنگ علی ولی پور گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران در تشریح جزئیات این خبر به خبرنگار ما گفت: «در آخرین سرقتی که اعضای این باند مرتکب شدند زمانی که در حال فرار از محل سرعت بودند، با خودروی شان تصادف کردند که یکی از سارقان بشدت مجروح شده و به وضعیت کما رفت. سواره و ادله‌ای که بر جای مانده بود سبب شد که کارآگاهان ما پی به سرقت‌های سریالی این فرد و همدستانش ببرند. در حالی که همدستان فرد مجروح از صحنه تصادف گریخته بودند اقدامات لازم جهت یافتن ردی از سارقان آغاز شد که دومین عضو این باند شناسایی و دستگیر شد. با اطلاعاتی که این فرد در اختیار مأموران قرار داد، فرد سوم نیز با موتورسیکلتی که از آن در سرقت‌ها استفاده می‌کردند، به دام افتاد.» در حالی که اولین عضو این باند هنوز در بیمارستان و در وضعیت کما قرار دارد. دو فرد دیگر تا به حال به بیش از ۳۰۰ مورد سرقتی قاپی اعتراف کرده‌اند. همچنین ۱۵ گوشی سرقتی که سارقان هنوز موفق به فروش آنها مأموران پلیس آگاهی تهران در این پرونده برای روشن شدن ابعاد پنهان ماجرا و شناسایی شاکیان احتمالی بیشتر ادامه دارد.



زیر خاک بفروستیم؟

او در ادامه می‌گوید: «پسرم کم کم با موضوع اهدای عضو آشنا شد و رضایت او را نیز کسب کردیم تا از بابت این کار خیر ناراحت نشود. پسرم این شب‌ها، بسیار گریه می‌کند. من هم خیلی دلتنگ همسرم هستم. زندگی برام سخت شده است اما اعضای بدن همسرم تعدادی بیمار را از مرگ نجات داد و او فرشته روی زمین شد.»
این ایبای مدرسه می‌گوید: «بعد از آن، بچه‌های مدرسه هم سعی می‌کردند به من کمک کنند. آنها به من از تسلیت می‌گفتند و بعضی وقت‌ها به من کمک و دل‌داری می‌دادند. این روزها که مدرسه تعطیل شده است، شرایط برام به سختی می‌گذرد. جای زهرا خیلی خالی است. فکرمش را نمی‌کردم از پیش ما برود.»

آبمیوه مسموم برای شکار ۹ زن تهرانی



در پوشش مسافربر طعمه‌های خود را انتخاب می‌کرد و همه طعمه‌های خود را از میان زنان جوان انتخاب کرده است. بعد از طی مسافتی در مسیر آیمیه‌های را که از قبل مسموم کرده و آماده کرده بود به مسافر تعارف می‌کرد. اگر مسافر این نوشیدنی را قبول کرده و می‌نوشید در کمتر از یک ربع بیهوش می‌شد. در همین حال راننده از فرصت استفاده کرده و اموال و طلاهای مسافر را برده و او را از ماشین پیاده می‌کرد؛ سپس از صحنه سرعت می‌گریخت. «رسیدگی به این پرونده در جریان تحقیقات در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار دارد و این در حالی است که احتمال افزایش شمار شاکیان در این پرونده وجود دارد.»
گفت‌وگو با قربانیان سرعت
زن جوانی که می‌گوید داروندارش را برده‌اند یکی از شاکیان این پرونده است؛ اما بجز او چند خانم جوان دیگر هم برای شناسایی اموال خود به پلیس آگاهی آمده‌اند. یکی می‌گوید گوشی گران قیمتش دزدیده شده و دیگری از شوکی که بعد از سرعت به او وارد شده حرف می‌زند.

این زن، مرد از آب درآمد

دزد همه فن حریف در دامغان برای پنهان ماندن از چشم پلیس در پوشش زنانه دزدی می‌کرد.
سرهنگ جلیل موقوفه‌ای رئیس پلیس سمنان گفت: در پی وقوع سرقت‌های سریالی در دامغان که در این سرقت‌ها، سارق بدون هیچ‌گونه تخریب و به صورت کاملاً حرفه‌ای اقدام به باز کردن قفل درهای ضد سرقت خانه‌های آپارتمانی، واحدهای صنعتی و خودرو در سطح شهرستان می‌کرد، موضوع به صورت ویژه و با حساسیت در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.
وی به بررسی تخصصی صحنه‌های سرقت و جمع‌آوری سرخ‌های لازم توسط مأموران اشاره و اضافه کرد: سرانجام در پی تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه پلیس آگاهی مشخص شد که سارق به صورت انفرادی و در برخی صحنه‌های سرقت با پوشش زنانه (استفاده از جادر) اقدام به سرقت می‌کرد که با توجه به شیوه و شگردهای به‌کار رفته، مأموران

دزد همه فن حریف در دامغان برای پنهان ماندن از چشم پلیس در پوشش زنانه دزدی می‌کرد.
سرهنگ جلیل موقوفه‌ای رئیس پلیس سمنان گفت: در پی وقوع سرقت‌های سریالی در دامغان که در این سرقت‌ها، سارق بدون هیچ‌گونه تخریب و به صورت کاملاً حرفه‌ای اقدام به باز کردن قفل درهای ضد سرقت خانه‌های آپارتمانی، واحدهای صنعتی و خودرو در سطح شهرستان می‌کرد، موضوع به صورت ویژه و با حساسیت در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.
وی به بررسی تخصصی صحنه‌های سرقت و جمع‌آوری سرخ‌های لازم توسط مأموران اشاره و اضافه کرد: سرانجام در پی تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه پلیس آگاهی مشخص شد که سارق به صورت انفرادی و در برخی صحنه‌های سرقت با پوشش زنانه (استفاده از جادر) اقدام به سرقت می‌کرد که با توجه به شیوه و شگردهای به‌کار رفته، مأموران



حوادث ویژه

خودسوزی ضایعات جمع‌کن

ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۱۱ خرداد امسال گزارش خودسوزی مرد ضایعات جمع‌کن در خیابان ۱۵ خرداد در دستور کار پلیس قرار گرفت و این در حالی بود که فرد حادثه‌دیده برای مداوا به بیمارستان مطهری تهران منتقل شد. در حالی که روند درمان برای مداوا این فرد ادامه دارد، رسیدگی به پرونده برای روشن شدن اصل ماجرا در دستور کار قرار گرفته است.

خودکشی هولناک دختر ۱۰ ساله

دختر ۱۰ ساله روز پنجشنبه ۱۱ خرداد خودکشی دردناکی زد. ظهر روز جمعه ۱۲ خرداد امسال رسیدگی به مرگ هولناک دختر ۱۰ ساله در یکی از محله‌های غرب تهران در دستور کار پلیسی قضایی قرار گرفت. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد که این دختر بچه با پرتاب خود از پنجره خانه‌شان به کوچه سقوط کرده و به کام مرگ فرو رفته است. رسیدگی به ابعاد پنهان خودکشی این دخترک در دستور کار تیم جنایی قرار دارد.

مرگ مشکوک دختر جوان جلوی در خانه مادرش

دختر جوانی با آثار شکستگی در بدنش جلوی در خانه مادرش به کام مرگ فرو رفت. صبح روز جمعه ۱۲ خرداد راه رسیدگی به مرگ دلخراش زن جوان در دستور کار مأموران پلیس جنایی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد جسد زن جوان که پدر و مادر او مدتی قبل جدا شده بودند، در حالی مقابل خانه مادرش کشف شده که آثار شکستگی و کبودی روی بدن او مشهود بوده است. رسیدگی به این پرونده تا روشن شدن علت مرگ زن جوان در جریان تحقیقات قرار دارد.

خودکشی مرد جوان در متروی زمزم

مردی در متروی تهران اقدام به خودکشی کرد. ظهر روز جمعه‌ای که گذشت، مرد جوانی در ایستگاه مترو زمزم جلوی قطار پرید و به زندگی خود پایان داد. بلافاصله تحقیقات برای روشن شدن ابعاد پنهان ماجرا در دستور کار مأموران پلیس و تیم جنایی قرار گرفت و در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که مشکلات اقتصادی انگیزه خودکشی این فرد بوده است.

مرگ راننده ترکیه‌ای در تهران

مرگ راننده ترکیه‌ای در ایران، پلیس را در برابر یک پرونده مرمر قرار داد. شامگاه روز پنجشنبه ۱۱ خرداد راننده ۲۷ ساله ترانزیت که اهل کشور ترکیه بود، در محوطه پارکینگ عمومی گمرک در داخل خودروی خود به کام مرگ فرو رفت و رسیدگی به این موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. در بررسی‌های ابتدایی علت فوت این راننده مشخص نشد و هنوز علت وقوع این حادثه نامعلوم است. رسیدگی به موضوع تا روشن شدن راز ماجرا در دست بررسی است.

قتل خونین به دست سپر ۱۹ ساله در لاهیجان

جوان ۲۶ ساله در یک درگیری و اختلاف ملکی در لاهیجان به دست سپر ۱۹ ساله به قتل رسید. سرهنگ «حمید محمدی‌نسب» فرمانده انتظامی لاهیجان گفت: در پی دریافت خبر به پلیس ۱۱۰ مبنی بر درگیری در یکی از روستاهای شهرستان لاهیجان، بلافاصله مأموران پاسکاف لاهیجان به محل اعزام شدند. وی در ادامه افزود: با حضور مأموران در صحنه درگیری و بررسی اولیه مشخص شد که ۲ همسایه بر سر اختلاف ملکی با یکدیگر درگیری لفظی پیدا کرده که با بالا گرفتن تنش، یکی از طرفین همسایه خود را با چاقو مضروب و از محل گریخته است. فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان با بیان اینکه فرد مجروح پس از اعزام به بیمارستان در اثر شدت جراحت وارد فوت کرد، اذعان داشت: کارآگاهان پلیس آگاهی قاتل ۱۹ ساله را در کمتر از ۵ ساعت در مخفیگاهش در یکی از روستاهای حومه شهرستان دستگیر کردند.